

عقیق بی بها

کاوشی در اندیشه مولانا

www.ketab.ir

یاسرملکی

سرشناسه: ملکی، یاسر، ۱۳۵۹-

عنوان و نام پدیدآور: عقیق بی‌بها: کاوشی در اندیشه مولانا/ یاسر ملکی.

مشخصات نشر: تهران: نسل روشن، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۵۷۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: کاوشی در اندیشه مولانا.

موضوع: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. -- نقد و تفسیر

موضوع: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰۷-۱۲۷۳ -- Criticism and interpretation

موضوع: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. -- دیدگاه درباره شادی

موضوع: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۷۳ -- Views on cheerfulness

موضوع: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. -- دیدگاه درباره زبان

موضوع: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۷۳ -- Views on language and languages

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- History and criticism -- ۱۳th century

رده بندی کنگره: PIR۵۳۰۵

رده بندی دیویی: ۸۴۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۲۲۶۰۰

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



عقیق بی‌بها

کاوشی در اندیشه مولانا

نویسنده: یاسر ملکی

ناشر: انتشارات نسل روشن

گرافیک و صفحه‌آرایی: علیرضا زمانی

سال و نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰ نسخه - قیمت: ۸۷,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۵۷۳-۴

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان دانشگاه - خیابان شهید نظری -

پلاک ۶۱ طبقه چهارم واحد ۴۴B تلفن تماس: ۶۶۹۵۳۱۲۶ - ۲۱.

www.nasleroshan.com

تمامی مسئولیت‌ها و حقوق مادی این اثر متعلق به نویسنده می‌باشد.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از اثر را به صورت چاپ، فتوکپی و... را ندارد و متخلفین به موجب بند ۲ ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

□ فهرست □

۱۳	پیشگفتار
۱۹	اندیشه پویا
۳۳	شادی و شیدایی
۳۵	مقدمه
۳۷	معنای شادی
۴۱	ضرورت شادی
۴۴	خاستگاه شادی
۵۱	انواع شادی
۶۳	عوامل شادی بخش
۶۳	(۱) عشق پایدار
۷۶	(۲) وصل به نیکان
۸۰	(۳) زندگی در حال
۸۳	(۴) قطع وابستگی
۸۹	(۵) کنترل زبان
۹۰	(۶) تدبیر امور
۹۳	(۷) بخشش واقعی
۹۸	(۸) خیال شیرین
۱۰۲	(۹) امیدواری
۱۰۶	شیدایی؛ فوق شادی
۱۰۸	منابع
۱۱۱	طب معنوی
۱۱۳	مقدمه
۱۲۳	انواع طبابت
۱۳۱	شباهت های طبابت جسمی و معنوی
۱۴۹	دشواری های طبابت معنوی

□ فهرست □

۱۵۷	معجزه طب معنوی
۱۶۱	اوصاف طبیبان معنوی
۱۶۷	(۱) حیران حق
۱۷۰	(۲) درد نجات
۱۷۲	(۳) بینش نافذ
۱۷۳	(۴) خُلق کریم
۱۸۲	منابع
۱۸۳	مسأله زبان
۱۸۵	مقدمه
۱۸۶	جایگاه زبان
۱۹۰	اقسام زبان
۱۹۰	(۱) زبان تکوینی
۱۹۲	(۲) زبان لفظی
۱۹۴	(۳) زبان قلبی
۱۹۷	(۴) زبان تشریعی
۱۹۹	زبان؛ افشاگر درون
۲۰۶	نقش دوگانه زبان
۲۰۸	نقش مثبت زبان
۲۰۸	الف) تبیین روشنگر
۲۱۱	ب) تهییج باطن
۲۱۵	ج) تسکین دل
۲۱۶	د) تلقین سازنده
۲۱۷	نقش منفی زبان
۲۱۷	الف) موجب توهم
۲۱۸	ب) قاتل روابط
۲۲۰	ج) عامل ناامنی
۲۲۲	د) تلقین مخرب

پیشگفتار

آشنایی من با افکار مولانا به دوران نوجوانی ام بازمی‌گردد. زمانی که به خاطر فضای علمی و فرهنگی در خانواده، به مطالعات غیردرسی و خواندن کتاب‌های فلسفی و عرفانی علاقه‌مند شدم و سپس به واسطه آشنایی با استاد عزیزی، اولین بارقه‌های علاقه به مکتب مولانا در من پدید آمد و روز به روز هم بیشتر شد. ایشان در جلسات هفتگی که به صورت ثابت در منزل یکی از دوستان برگزار می‌شد از مولانا می‌گفت و می‌خواند و ما را هر چه بیشتر به غور در آموزه‌های مثنوی تشویق می‌کرد. این ارتباط تا مدتی ادامه داشت و بعد به خاطر مسائل و اشتغالاتم، دیگر امکان حضور در این جلسات را نداشتم. اما دیری نگذشت که رشته‌های انس و الفت من با مولانا و اثر تعلیمی او یعنی مثنوی معنوی، مستحکم‌تر از قبل شد و به جایی رسید که ابیات و غزلیات او را در کوتاه‌ترین زمان به خاطر می‌سپردم و چندین و چندبار می‌خواندم و تکرار می‌کردم. تا این‌که به مرور، سطح مطالعاتم در این حوزه گسترش یافت و کتاب‌های زیادی را در مورد زندگی و افکار مولانا تهیه و بیشتر اوقات به مطالعه آنها می‌پرداختم.

پس از پایان دوره کارشناسی ارشد، تصمیم به مطالعه دقیق و پژوهش حرفه‌ای در این کار گرفتم. تقریباً روزی نبود که در محضر این عارف بزرگ، ننشینم و از آموزه‌های نجات‌بخش او بهره‌مند نشوم تا جایی‌که، کمتر کتابی جز مثنوی، برام دلبذیر بود و احساس می‌کردم که ارتفاع سخنان او، به اندازه‌ای بالاست که با کمتر مکتب فلسفی قدیم و جدید برابری می‌کند. به صراحت می‌گویم که وقتی در جزیره مثنوی ساکن شدم و به قدر طاقتم، به گشت و گذار در آن پرداختم بسیاری از حرف‌ها و ادعاهای این مکتب و آن مکتب، در نظرم رنگ باخت و دانستم به میزانی که عطش معنایی انسان بیشتر شود جلوه‌های ناب‌تری از آن برایش کشف می‌شود. مولوی ثابت کرد که با بندگی عاشقانه و عشق به بندگی، می‌توان به کیمیاگری ماهر تبدیل شد و به هر چیزی ارزش و بی‌ثمری، ارزش و اعتبار بخشید. کم‌این‌که مولوی در مثنوی معنوی، همین کار را کرده است. او با خلق اثری شگفت‌انگیز، جان‌های بسیاری را از مرگ روحی نجات داد و نقشه انسان بودن و انسانی زیستن را ترسیم نمود. همان‌طور که می‌دانید مثنوی مهم‌ترین اثر تعلیمی مولانا است که از گستردگی و جامعیت مثال‌زدنی برخوردار است. از این‌رو، ارتباط عمیق و فهم دقیق محتوای آن، نیازمند پژوهش‌ها و تحقیقات روشنگر و آسان‌کننده است که از سوی محققان و پژوهشگران داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. این پژوهش‌ها را می‌توان



به چند دسته تقسیم کرد: دسته نخست شامل آثاری است که بیشتر جنبه تاریخی دارند و تأکید عمده آنها بر روی سیر حیات مولانا و شرح رخداد های مهم در ادوار زندگی اوست. البته تعداد این پژوهش ها هم کم نیست و به دلیل همین تعدد، گاهی هم محتوای آنها جنبه تکراری دارد. دسته دوم از پژوهش ها، ناظر به تفسیر ترتیبی است. یعنی مفسر تلاش می کند که ابیات مثنوی را به ترتیب از دفتر اول تا ششم، شرح کرده و نکات مهم آن را بازگو کند. طبیعی است که محتوای این شروح نیز از حیث سختی و آسانی، یکسان نیست و برخی نیز به شدت رنگ فلسفی به خود گرفته که مخاطبان خاص خود را دارد و برای اکثر خوانندگان قابل استفاده نیست. گاهی هم تعدادی از این پژوهش ها رویکرد گزینشی دارند و به شرح برخی حکایت های مثنوی پرداخته اند. دسته سوم مربوط به پژوهش هایی است که به تفسیر موضوعی رو آورده اند. کاری به مراتب سخت تر از تفسیر ترتیبی. ارزش تفسیر موضوعی بسیار بالاست. زیرا پژوهشگر میدان تفسیری وسیع تری در اختیار دارد و می تواند از طریق کشف ارتباطات پنهانی میان ابیات، به یک جمع بندی اساسی و حساب شده برسد. این نوع تفسیر، شامل حال آثاری است که محتوای دسته بندی شده ندارند و از نوعی بی نظمی و پراکندگی موضوعی برخوردارند. مصداق بارز آن، قرآن کریم است که مضامین مختلفی را بدون دسته بندی و ترتیب مشخص، دربر می گیرد. کتاب مثنوی هم به همین صورت است. یعنی قضاوت نهایی در یک موضوع خاص، منوط به باهم نگری ابیات مرتبط است. که البته انجام آن، کار آسانی نیست. زیرا کثرت ابیات در موضوعات مختلف، در نظر گرفتن واژگان مرتبط با هر موضوع و از همه مهم تر برقراری ارتباط میان همه یافته ها، کار محقق را بسیار سخت می کند.

دسته چهارم از پژوهش ها، ناظر به تنظیم ابیات و دسته بندی آنها در موضوعات مختلف است. این دسته چهارم، ارزش خاص خود را دارند و مسیر پژوهش درباره اندیشه مولانا را تا حدود زیادی آسان کرده اند. اما چنین به نظر می رسد که اولاً این کتاب ها، همه موضوعات را دربر نگرفته و ثانیاً به کلمات و واژگان مرتبط با آن موضوع به طور کامل، اشاره نکرده اند. مثلاً موضوعی به نام «شادی» دارای کلمات همسایه بسیاری است که باید همه آنها را در یک جا، جمع آوری کرد و از مجموع آنها، دیدگاه نهایی مولانا را درباره آن موضوع، کشف کرد. مضاف بر این که، صرف موضوع بندی چاره کار نیست و باید از این مرحله آغازین عبور کرد و به مرحله پژوهش کامل قدم گذاشت.

